

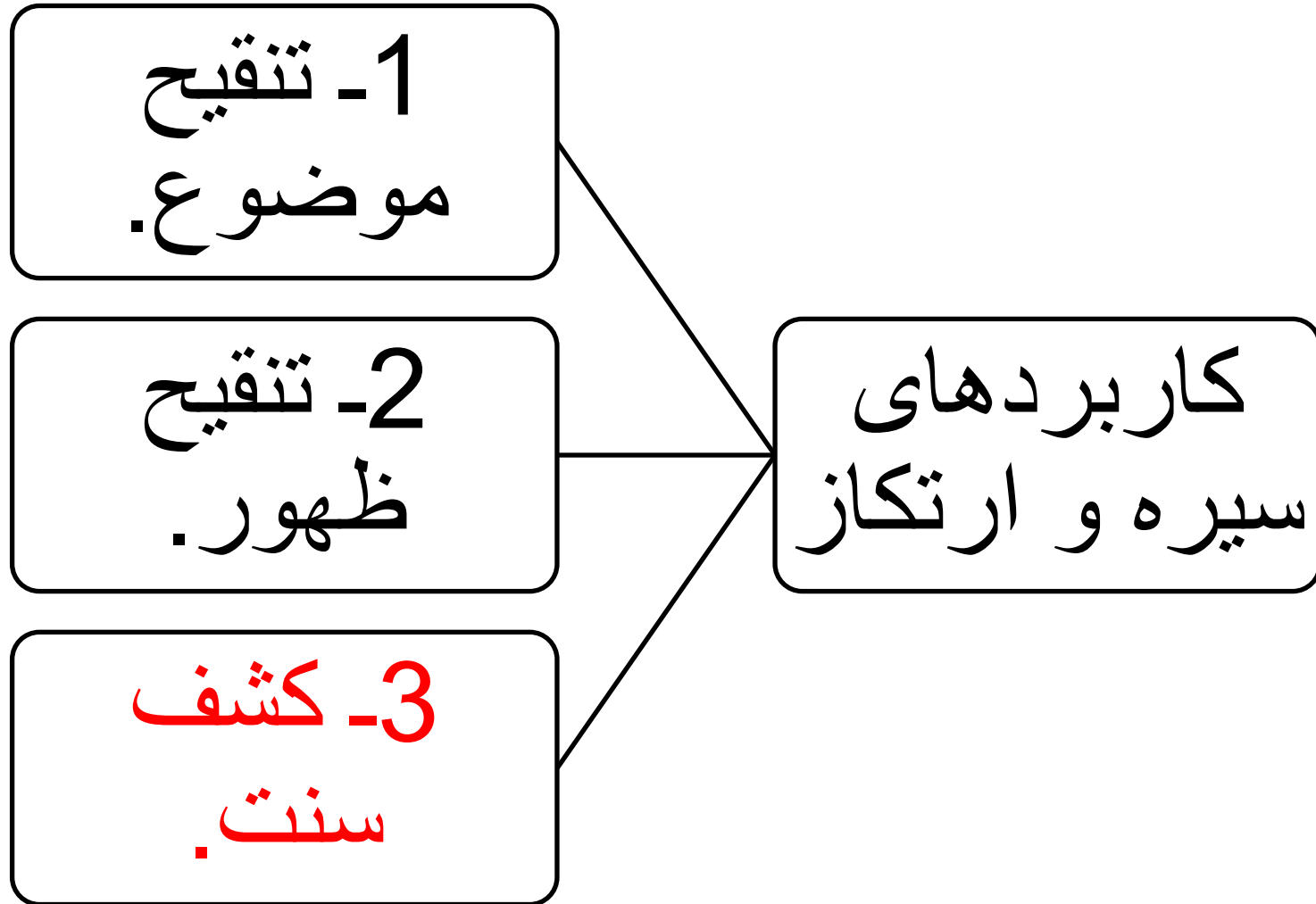
# علم أصول الفقه

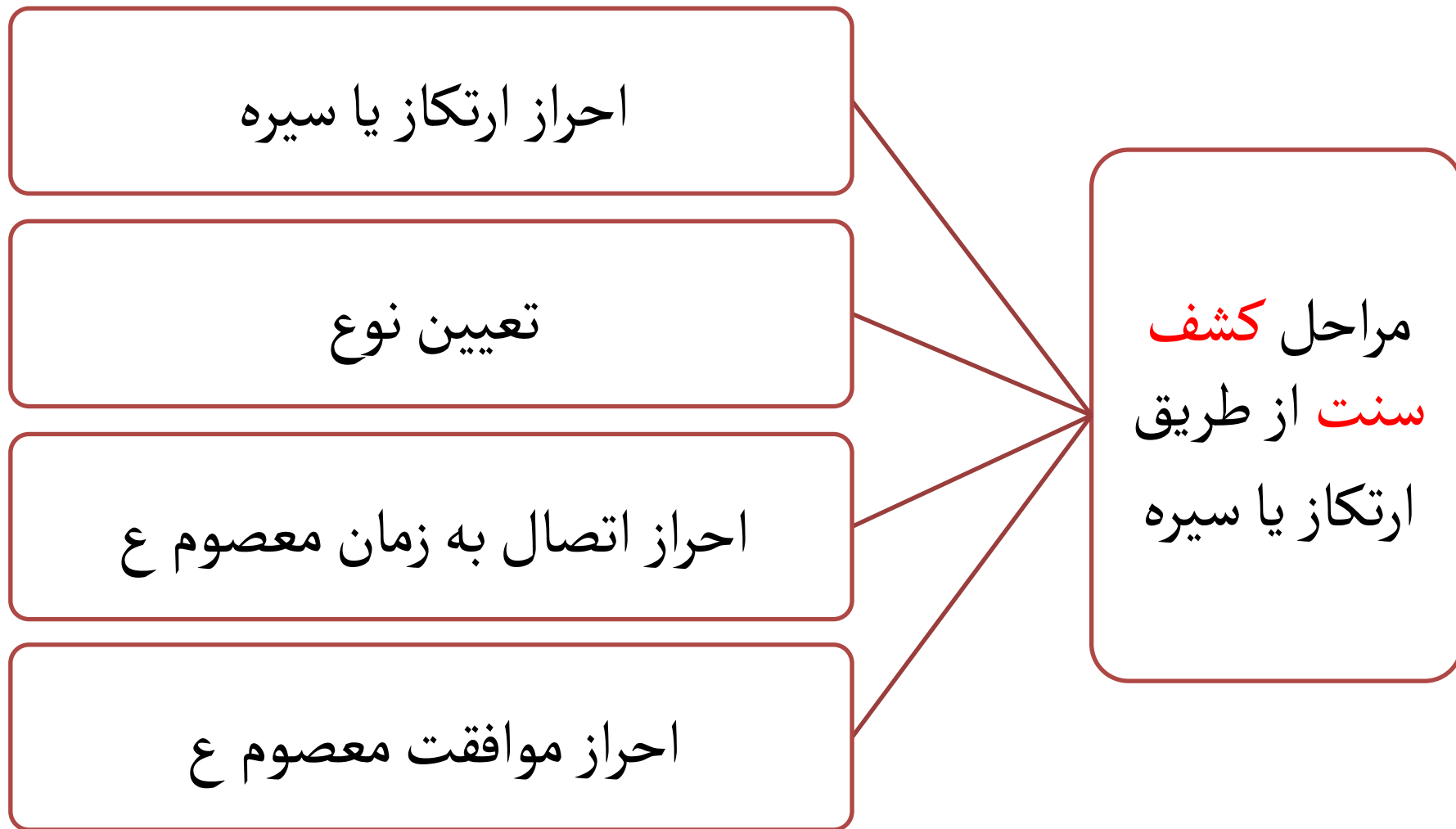
۸۰

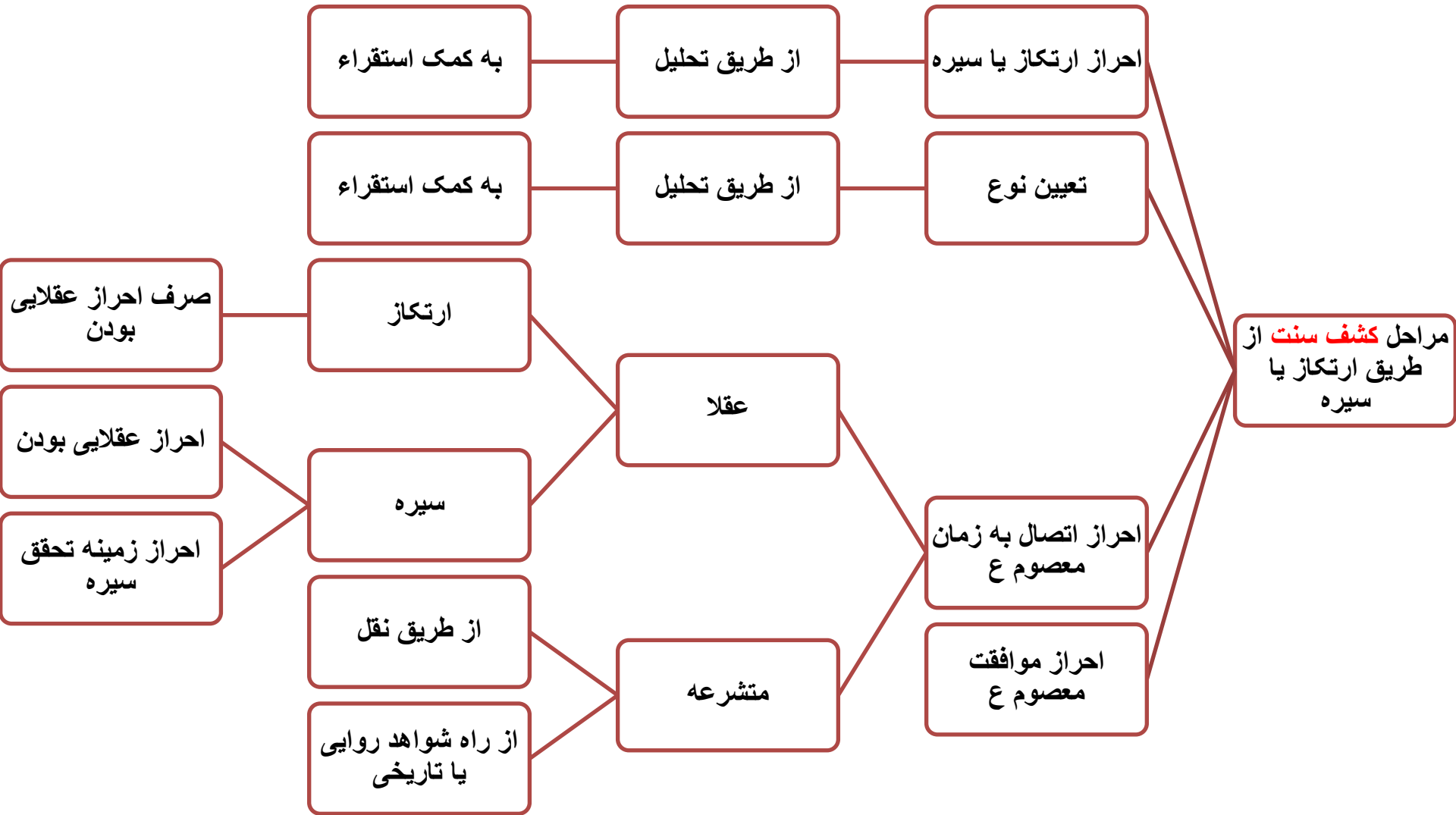
۷-۲-۹۳ سیره و ارتکاز

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

# کاربردهای سیره و ارتکاز







## مفاد سیره و ارتکاز

- گاهی از سیره و ارتکاز یک حکم وضعی را کشف می‌کنیم و گاهی یک حکم تکلیفی.

## مفاد سیره و ارتکاز

- بسیاری از سیره‌ها و ارتکازات کاشف از حکم وضعی‌اند؛ البته به تبع یک حکم وضعی یک مجموعه‌ای از احکام تکلیفی پیدا می‌شود؛ مثلاً اینکه حیا از منشأ مالکیت است، مفاد یک سیره و ارتکاز عقلائی و حکم وضعی است که آثار تکلیفی دارد.
- از جمله آثارش این است که مالک مجاز است در مال خودش بدون اذن دیگران تصرف کند و دیگران حق ندارند در مال او بدون اذن او تصرف کنند یا مالک می‌تواند از طرق مشروع مال خود را به دیگری منتقل کند.

## مفاد سیره و ارتکاز

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - می فرمایند گاهی سیره به گونه‌ای است که از آن تقید و یا عدم تقید یک فعل به یک شرط را احراز می‌کنیم. برای مثال با مراجعه به سیره متشرعه در هنگام وضو گرفتن، می‌بینیم روی پایشان را با تمام کف دست مسح نمی‌کنند، بلکه با بعضی از کف دست این مسح را انجام می‌دهند. پس معلوم می‌شود در نظر شرع صحت وضو مشروط به مسح روی پا توسط تمام کف دست نیست.

## مفاد سیره و ارتکاز

- به طور کلی وقتی می‌بینیم متشرعه به کیفیتی در وضو یا غسل ملتزم‌اند، کشف می‌کنیم که این کیفیت شرط صحت وضو و غسل است و اگر دیدیم متشرعه ملتزم نیستند، کشف می‌کنیم که این کیفیت شرط صحت نیست.
- چیزی که به دست می‌آوریم شرط بودن یا شرط نبودن یک چیز در صحت یک عمل است که از قبیل احکام وضعی است؛ البته هر حکم وضعی، مجموعه‌ای از احکام تکلیفی را به دنبال خود خواهد داشت.



## مفاد سیره و ارتکاز

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - همچنین می فرماید اگر دیدیم متشرعه کاری را انجام می دهند، کاشف است از اینکه این عمل حرام نیست و بر اباحه بالمعنی الاعم دلالت دارد. اما اینکه واجب است یا مستحب یا مباح بالمعنی الاخص (درمقابل واجب و مستحب و مکروه و حرام)، تابع شرایط است.

## مفاد سیره و ارتکاز

- پس وقتی می‌خواهیم از سیره‌ای به عنوان دلیل بر حکم شرعی استفاده کنیم، باید ببینیم می‌توانیم جهت سیره هم کشف کنیم یا نه؛ مثلاً آیا متشرعه از این جهت عمل می‌کنند که آن کار را واجب می‌دانند یا از این جهت عمل نمی‌کنند که آن کار را حرام می‌دانند. یعنی آیا آن جهت هم در ذهنشان بوده تا امضاء شده باشد.

## مفاد سیره و ارتکاز

- به طور معمول کشف جهت مشکل است، بلکه قابل دستیابی نیست. اگر نتوانیم جهت سیره را کشف کنیم، باید قدر متیقن را اخذ کنیم. قدر متیقن بین وجوب و استحباب، استحباب (اصل رجحان) و قدر متیقن بین کراهت و حرمت، کراهت (اصل تنزیه) می شود. معمولاً در جایی که می خواهیم از یک سیره، حکم شرعی تکلیفی را کشف کنیم، با چنین مسأله‌ای مواجهیم.

## مفاد سیره و ارتکاز

- مظفر - رضوان الله تعالى عليه - هم می فرمایند معمولاً سیره یا ارتکاز وجوب یا حرمت را ثابت نمی کند. اصل جواز یک عمل به صورت عام را ثابت می کند؛ البته در بعضی موارد مشروعیت مستلزم وجوب است.
- سپس مثال زده اند به حجیت خبر واحد و حجیت ظواهر. وقتی ظواهر یا خبر واحد حجت باشند، واجب است به آنها عمل کنیم.

## مفاد سیره و ارتکاز

- وقتی متن کلام ایشان را ببینید، این تصور پیدا می‌شود که مقصود وجوب تکلیفی است و این از مواردی است که حکم تکلیفی از طریق سیره یا ارتکاز قابل کشف است؛ در حالی که آنچه ما از طریق سیره یا ارتکاز اثبات می‌کنیم، حجیت است و این وجوبی که ایشان فرموده است، وجوب تکلیفی نیست، بلکه تعبیر دیگری از همان حجیت است.

## مفاد سیره و ارتکاز

- اینکه می‌گوییم باید به ظواهر عمل کرد نه این است که یکی از واجبات شرعی عمل به ظواهر باشد، بلکه یعنی چون ظاهر کلام حجت است و شارع هم در قالب همین سیستم مفاهمه با ما صحبت کرده‌است، ما برای کشف مقاصد شارع باید از ظواهر استفاده کنیم.

## مفاد سیره و ارتکاز

- این باید در واقع توضیح همان حجیت ظواهر است. بنابراین اگر کسی از ظواهر استفاده نکرد و احتیاط کرد یا از یک راه دیگری به واقع علم پیدا کرد، چنین نیست که یک واجب شرعی را ترک کرده باشد و مستحق عقاب باشد؛ البته وقتی به ظواهر مراجعه می‌کنیم، ممکن است محتوای یک ظاهر یک حکم تکلیفی باشد؛ مثلاً در عبارت امر آمده باشد که بر وجوب دلالت می‌کند.

## مفاد سیره و ارتکاز

- معنای حجت بودن ظاهر این است که برای تشخیص نظر شارع از این راه می‌توانید بروید و اگر نرفتید و خطا کردید، عقاب می‌شوید؛ زیرا به حجت عمل نکردید؛ مثلاً وجوب نماز صبح در یک ظاهر یک خبر واحدی وارد شده‌است باشد و فرد به آن ظاهر مراجعه نکند و در نتیجه نماز صبح را نخواند، بر ترک نماز صبح عقاب می‌شود.



## مفاد سیره و ارتکاز

- اگر بگوید نمی دانستم نماز صبح واجب است، می گویند ما ظواهر و خبر واحد را فرستاده بودیم و اینها حجت بودند و باید از همین طریق عمل می کردی. دیگر این طور نیست که بگویند برای اینکه به این ظاهر عمل نکردی یک عقاب و برای اینکه به خبر واحد عمل نکردی هم یک عقاب دیگر و برای اینکه نماز صبح را هم نخواندی یک عقاب سوم منتظر تو است.

## مفاد سیره و ارتکاز

- ترک ظاهر یا خیر واحد عقاب جداگانه ندارند؛ زیرا وجوبشان وجوب طریقی و مفاد حجیت است. اینکه می‌گوییم فلان چیز حجت است یعنی منجز و معذر است. اگر مخالف باواقع باشد، برای ما عذر به حساب می‌آید و اگر موافق باشد، تکلیف واقعی را بر ما منجز می‌کند.

## مفاد سیره و ارتکاز

- . بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۴۶.
- . توجه دارید که این بحث‌ها گاهی در حیطة شیعیان مطرح می‌شود؛ چون متشرعه را به دو معنا به کار می‌بریم: یکی شیعه اثنی عشری یا به اصطلاح فقهی مؤمنین و دیگری مسلمین اعم از شیعه اثنی عشری و غیر ایشان. آنجا که سیره شیعیان باشد کشف می‌کند که مذهب تشیع این کیفیت را لازم می‌داند و اگر سیره مسلمانان بود معلوم می‌شود که این مطلب را همه مذاهب اسلامی پذیرفته‌اند.

## مفاد سیره و ارتکاز

- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۴۵. در اثبات اینکه تراشیدن ریش حرام و گذاشتن آن واجب است، دو نوع استدلال وجود دارد:
- الف. استدلال به روایات و آیات. و قدما به آیه ۱۱۹ از سورة النساء: «فلیغیرن خلق الله» تمسک کرده‌اند و گفته‌اند یکی از اعمال شیطانی این است که کسی «خلق الله» را تغییر دهد. این استدلال منسوخ شده است. اگر این استدلال درست باشد و مقصود از تغییر چنین معنای وسیعی باشد، حتی اصلاح کردن موی سر، گرفتن ناخن و... هم باید حرام باشد! مقصود از تغییر فطرت الهی بشر است و معمولا آن‌هایی که در موضوع حلق لویه به ادلة نقلی تمسک می‌کنند، به این آیه تمسک نمی‌کنند.
- بعضی از روایات استفاده را می‌کنند که حلق لویه حرام است. برخی در سند روایات خدشه می‌کنند ولی مستدلین سند را درست می‌کنند.
- ب. مشهور فقها به حرمت حلق لویه فتوا می‌دهند و دلیل آن‌ها نه آیه است نه این روایات، بلکه سیره متشرعه است. می‌گویند متشرعه ملتزم بودند که ریش خود را تراشند و این سیره متصل به زمان معصوم - علیه السلام - و کاشف از امضاء او است. می‌گویند این‌گونه نیست که به خاطر طبیعت انسانی خود ریش خود را نمی‌تراشیده‌اند؛ چون می‌بینیم یک عده ریش خود را می‌تراشند. آدم‌ها معمولا ابروی خود را از ته نمی‌تراشند؛ چون باعث اذیت چشم می‌شود؛ زیرا ابرو هم به لحاظ تنظیم نوری که به چشم وارد می‌شود و هم به لحاظ گرد و غبارها و ضربه‌هایی که می‌توانند به چشم آسیب برسانند، محافظی برای چشم است. بنابراین اگر مردم ابروی خود را نمی‌تراشند. در تراشیدن ریش چنین حالتی در طبیعت انسانی نیست. بنابراین اگر التزام متشرعه کاشف از آن است که این کار را حرام می‌دانسته‌اند. گاهی فقها روایات و آیات را هم به عنوان مؤید ذکر می‌کنند.
- در این استدلال تردیدهایی مطرح است. شاید التزام متشرعه‌ای به این سبب بوده است که تراشیدن ریش کار آسانی نبود؛ چون وسایلی که الآن برای تراشیدن ریش وجود دارد، در گذشته نبود؛ گرچه بعضی احيانا با وجود این سختی، ریش یا سیبیل خود را می‌تراشیدند. جواب این تردید آن که اگر چنین بود، می‌بایست غیر مسلمان‌ها هم چنین سیره‌ای می‌داشتند و آن‌ها هم ریش خود را کوتاه نمی‌کردند؛ در حالی که آن‌ها ریش خود را می‌تراشیده‌ند. بنابراین منشا این کار یک امر طبیعی و نبودن امکانات و... نیست.
- شاید گذاشتن ریش از این باب بود که خود پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و ائمه - علیهم السلام - محاسن داشتند. یعنی متشرعه از باب تبعیت از سنت پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و تشابه به او محاسن خود را نمی‌تراشیدند. این مقدار فقط رجحان و استحباب را می‌رساند و حداکثر تراشیدن ریش مکروه می‌شود.
- برای همین ضعف ادلة است که خیلی از فقها در بحث حلق لویه فتوای به حرمت نمی‌دهند و احتیاط واجب می‌کنند. می‌گویند حال احتمال حرمتش وجود دارد و ادلة که هست برای شائواضح نیست، احتیاط می‌کنند.
- بیان شهید صدر کمی تفاوت دارد. با آنچه استاد فرموده‌اند.

## مقدار مفاد امضای معصوم

- اگر سیره‌ای متصل به زمان معصوم - علیه السلام - و امضاء شده وجود داشت که در همان زمان مصادیق خاصی داشت و بعد از آن زمان هم مصادیق جدیدی پیدا کرد که اصلاً در زمان معصوم - علیه السلام - نبود. آیا امضاء معصوم - علیه السلام - به مصادیق موجود در زمان وی محدود می‌شود یا شامل مصادیقی که در زمان او وجود نداشت هم می‌شود؟

## مقدار مفاد امضای معصوم

- برای مثال می‌فرمایند در بحث حیازت سیره‌ای در زمان معصوم - علیه السلام - بود که امضاء هم شده بوده‌است. و در همان زمان معصوم مصادیقی داشت؛ مثلاً سنگ را از زمین بر می‌داشتند یا درختان را با تبر می‌بریدند و یا پرندگان را با تیرکمان شکار یا ماهی‌ها را با قلاب یا تور صید می‌کردند. در حقیقت از این طرق آن‌ها را حیازت می‌کردند. حال در زمان ما اشکال جدیدی از حیازت پیدا شده‌است مثل حیازت با جریان برق؛ یعنی به جای اینکه حیوانی را در تور بیندازد، در میدان الکتریکی انداخته صید کند. در حقیقت این میدان یک تور مادی نیست، بلکه یک چیزی است که این حیوان نمی‌تواند از آن خارج شود؛ هر طرف برود، برق او را می‌گیرد و احساس لرزش می‌کند و برمی‌گردد. مثال دیگر حیازت با لیزر است. در اینجا نیز توری در کار نیست ولی الآن دورش اشعه لیزر هست و هر طرف بخواهد برود، آن اشعه لیزر بدنش را آزار می‌دهد.

## مقدار مفاد امضای معصوم

- آیا این نوع حیازت‌ها هم در نظر شرع منشأ مالکیت هستند؟
- شهید صدر می‌فرماید
- برخی گفته‌اند وقتی شارع یک سیره را که در زمان خودش دارای مصادیقی است، تأیید می‌کند، در واقع فقط مصادیق خارجی آن را تأیید کرده‌است. بنابراین اگر این سیره در آینده مصادیق دیگری پیدا کرد، نمی‌توانیم با آن امضای شارع نسبت به مصادیق کهن، شرعیت مصادیق جدید را اثبات کنیم.

## مقدار مفاد امضای معصوم

- این نگاه درست نقطه مقابل نگاهی است که می‌گفت به طور کلی شرع هر سیره یا ارتکازی را هرچند در زمان معصوم - علیه السلام - نباشد، امضاء کرده‌است.
- آن دیدگاه می‌گفت ما این را از ذوق شریعت یا از ادله این را به دست آوردیم.



## مقدار مفاد امضای معصوم

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - یک نظر میانی دارد که ما هم قبلاً همین نظر میانی را گفتیم با یک توسعه‌ای بیش از این که ایشان اینجا بیان کردند. البته ایشان ظاهراً عملاً با آن نظری که گفتیم موافق‌اند اما اینجا آن مقداری که بیان کردند آن نیست.